

## تأملی بر حمایت از حق آزادی بیان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ناظر بر مسدودسازی دسترسی به اینترنت

مصطفی فضائی<sup>۱</sup>، موسی کرمی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

یکی از حوزه‌های متأثر از پیشرفت‌های دهه‌های اخیر در عرصه فناوری‌های نوین و به‌ویژه اینترنت، حق آزادی بیان به‌مثابه یک حق بنیادین بشری است. پیوند ناگسستنی اینترنت با آزادی بیان به دادخواهی افراد علیه دولت‌های خود در چارچوب مسائل مرتبط با اینترنت و ازجمله مسدودسازی دسترسی به اینترنت نزد دیوان اروپایی حقوق بشر انجامیده است. مقاله پیش‌رو بر آن است تا به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر را درباره حمایت از حق آزادی بیان در برابر مسدودسازی دسترسی به شبکه جهانی اینترنت واکاوی کند. این کاوش حاکی از آن است که دیوان ضوابط و سنجه‌های کلی حاکم بر آزادی بیان ازجمله دامنه و محدودیت‌های وارد بر آن در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بر پرونده‌های مرتبط اعمال کرده است. دیوان ممنوعیت کلی و یک‌پارچه اینترنت و دسترسی به تارنماهای اینترنتی را ناقض حق آزادی بیان به‌شمار آورده است. در چارچوب محدودسازی دسترسی به اینترنت نیز، بایسته‌های مندرج در بند سوم ماده ۱۰ را بر پرونده‌های ذی‌ربط در این زمینه اعمال کرده است. در این راستا، دیوان بر این باور است که بایسته‌های قانونی بودن و پیش‌بینی‌پذیری قوانین محدودکننده اینترنت و دسترسی به

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران؛ m.fazayeli@qom.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران؛ mousakarami136767@yahoo.com

آن، ضرورت و تناسب عمل محدودسازی در جامعه مردم‌سالار و نیز مشروعیت محدودسازی دسترسی به اینترنت برای نیل به اهداف مجازی همچون نظم عمومی و امنیت، بایسته‌هایی هستند که فقط با اثبات تحقق آن‌ها، آن‌هم در پرتو تفسیری مضیق و محدود، می‌توان دولت‌ها را از اتهام نقض ماده ۱۰ کنوانسیون مبرا دانست.

**واژگان کلیدی:** آزادی بیان، مسدودسازی دسترسی به اینترنت، حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

#### مقدمه

دهه‌های اخیر شاهد پیشرفت بدون توقف فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بوده که رفته‌رفته موجب تغییر در زندگی اجتماعی، حرفه‌ای و روابط شخصی افراد شده است (زمانی و عطار، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴). در این میان، اینترنت سهم چشمگیری داشته و دارد. به‌طور کلی، اینترنت در پرتو دسترسی‌پذیری و ظرفیت خود در نگاه‌داشت و انتقال میزان گسترده‌ای از اطلاعات، نقش مهمی در دسترسی عموم مردم به اخبار و تسهیل توزیع اطلاعات دارد (Council of Europe, 2017, p. 1). فضای دور از نظارت اینترنت و ویژگی دوسویه‌بودن آن و برخی ویژگی‌های دیگر فضای مجازی که در رسانه‌های دیگر یا به‌کلی وجود ندارد یا کم‌رنگ است، این پدیده را به سمت تقویت حق‌های بنیادین و به‌تبع آن، تقویت سایر حقوق بشری و شهروندی جهت داده است. افزون‌براین، ابزار و فناوری به شکلی ماهوی و ذاتی می‌تواند به ارتقای سطح اندیشه‌های حقوق بشری کمک برساند، همچنان‌که شبکه جهانی اینترنت پاره‌ای مفاهیم حقوقی، سیاسی و اجتماعی را به‌گونه‌ای دگرگون ساخته است که شماری از اندیشمندان را ترغیب کرده تا با به‌کارگیری آن، افول برخی ارزش‌ها و مفاهیم حقوق بشری را جبران کنند (اسلامی و عصاره، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸-۱۳۹). یکی از حوزه‌هایی که با توسعه اینترنت و فناوری‌های نوین به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته، آزادی بیان و حق آزادی بیان است (Lemets et al., 2020, p. 1034).

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در گزارش ۳۰ ژوئن ۲۰۱۴ خود به شورای حقوق بشر<sup>۱</sup> اذعان می‌دارد که نوآوری‌های ایجادشده در فناوری‌های ارتباطی موجب ارتقای آزادی بیان شده، تعاملات جهانی را تسهیل و مشارکت دموکراتیک را تقویت کرده است. فناوری‌های قدرتمند امروزی، از رهگذر بازتاب صدای مدافعان حقوق بشر و با فراهم‌ساختن ابزارهای لازم برای ثبت و افشای سوءاستفاده‌های رخ‌نموده از حقوق بشر، نویدبخش بهبود بهره‌مندی افراد از حق‌های بشری‌اند. در روی دیگر سکه، در دوران دیجیتال، این فناوری‌ها ظرفیت دولت‌ها، مؤسسات و افراد در انجام پایش، استراق‌سمع و گردآوری داده را افزایش داده‌اند و همین امر موجب بروز نگرانی‌های ژرفی درخصوص پایش الکترونیک و مداخله ناروای دولت‌ها در حقوق بشر در بسیاری از کشورهای جهان شده است ( Human Rights Council, 30 June 2014, paras. 1-3). یکی دیگر از اقدامات دولت‌ها در بستر اینترنت، دست‌یازی به مسدودسازی<sup>۲</sup> دسترسی کاربران به اینترنت است. اقدامی که طبق تازه‌ترین گزارش‌های گزارشگران شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تا زمان نگارش این نوشتار (دی ۱۴۰۰ خورشیدی)، به امری رایج میان کشورها تبدیل شده است و همچنان حتی در زمان شیوع ویروس کرونا ادامه دارد ( Human Rights Council, 15 June 2021, paras. 2-4). طبق گزارش گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر ملل متحد درخصوص حمایت و ارتقای حق آزادی عقیده و بیان، مسدودسازی به اقداماتی گفته می‌شود که در راستای دسترسی کاربران به برخی محتواهای خاص اتخاذ می‌شوند. این اقدامات شامل ممانعت از دسترسی کاربران به برخی تارنماهای خاص، نشانی‌های پروتکل‌های اینترنتی (IP)، نام‌های دامنه، حذف تارنماها از سرور شبکه میزبان یا فناوری‌های فیلترینگ به‌منظور حذف صفحات محتوی کلیدواژه‌ها یا دیگر محتواهای خاص از شبکه است (HRC, 16 May 2011, para. 29). کمیته حقوق بشر، در تفسیر عام شماره ۳۷ خود به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰، دولت‌های عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی را از قطع اینترنت و ایجاد اختلال در آن به‌ویژه در زمان اجتماعات صلح‌آمیز بازمی‌دارد و

1. Human Rights Council (30 June 2014). The Right to Privacy in the Digital Age; Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. A/HRC/27/37.

2. Blocking

تصریح می‌نماید که هرگونه ایجاد محدودیت بر توزیع و تبادل اطلاعات باید با محدودیت‌های مجاز بر آزادی بیان سازگار باشد ( Human Rights Committee, 17 (September 2020, para. 34).

به گفته اندیشمندان، «برای ظهور و شکوفایی آزادی، حکومت و جامعه باید هر دو توانمند باشند» (عجم اوغلو و ای. رابینسون، ۱۳۹۹، ص ۱۲). بی‌گمان آزادی بیان یکی از شیوه‌های توانمندسازی جامعه است، چون از رهگذر آن است که افراد جامعه آگاه می‌شوند و بر اقدامات دولت و مقامات دولتی نظارت می‌کنند (مصدق، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶). انقلاب فناوریانه جلوه‌هایی جدید از آزادی بیان را در برابر دیدگان ما نمایان ساخت. با تحولات جدید در این حوزه، رفته‌رفته مشارکت فرهنگی در زمینه‌های گوناگون جامعه پررنگ‌تر شد و مراوداتی که تا پیش از آن در قالب‌هایی محدودتر صورت می‌پذیرفت تقویت شد. با این حال، به همان میزان نیز امکان کنترل و ایجاد محدودیت در اقسام مختلف ارتباطات در اشکال جدیدی تجلی یافت. این کنترل که عمدتاً از طریق سازکارهای دولتی و در مقابله با جریان مبادله آزاد اطلاعات صورت می‌گیرد، با ظهور شبکه‌های اجتماعی وارد مرحله جدیدی شده است (شهبازی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸-۲۳۹). جالب توجه آن‌که طبق آخرین گزارش‌ها، هنجارهای جهانی به‌گونه‌ای شگفتی‌انگیز به سمت وسوی مداخله بیشتر دولت در عرصه دیجیتال پیش رفته‌اند (Freedom House, 2021, p. 2). امری که بحث نقض حقوق بشر و به‌ویژه حق آزادی بیان شهروندان به دست دولت‌ها را پیش می‌کشد.

حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگون و از جمله در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۴ نوامبر ۱۹۵۰) به‌عنوان یکی از مترقی‌ترین اسناد الزام‌آور حقوقی بشری در سطح جهان مورد حمایت قرار گرفته است. دیوان اروپایی حقوق بشر که عملکرد مترقی و نقش برجسته آن در تبیین و تفسیر مفاد و مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افزون‌بر و در کنار پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون، بی‌گمان یکی از عوامل پویایی این سند به‌شمار می‌رود (کرمی و توحیدی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶ و ۲۳۳)، به‌سان نهاد تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون یادشده (جلالی و سودبر، ۱۳۹۹، ص ۶۰)، در زمینه حق بر آزادی بیان و

حمایت از آن نیز آرای پرشماری دارد. پیوند وثیق اینترنت با حقوق و آزادی‌های بشر به‌طور عام و با آزادی بیان به‌طور خاص، پای دادخواهی افراد علیه کشورهای خود در حوزه مسائل مرتبط با اینترنت را به استراسبورگ فرانسه و پیشگاه دیوان اروپایی حقوق بشر کشانده و زمینه شکل‌گیری رویه قضایی دیوان در این باره را فراهم ساخته است. از این‌روی، بررسی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در حمایت از آزادی بیان در برابر مسدودسازی دسترسی به اینترنت موضوعی حائز اهمیت است. امری که در این نوشتار، از رهگذر شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، مراجعه به دیدگاه‌های گزارشگر ویژه شورای شورای حقوق بشر در زمینه حمایت و ارتقای حق آزادی عقیده و بیان و استناد به آرای ذی‌ربط با مراجعه به تارنمای شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر، در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر پی گرفته می‌شود. در این راستا، نگارندگان مقاله پیش‌رو نخست به بحث جایگاه آزادی بیان در بستر اینترنت می‌پردازند (۱). سپس به واکاوی رویه این نهاد قضایی برجسته حقوق بشری در قبال مسدودسازی اینترنت و دسترسی به اینترنت در بافت حق آزادی بیان دست می‌یازند (۲) و سرانجام، جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری مقاله را وجهه همت خویش می‌سازند.

### ۱. ضوابط کلی آزادی بیان در بستر اینترنت

در این بخش، نخست به آزادی بیان به‌منزله حق بشری محوری و درجه وجدان اجتماع پرداخته می‌شود. سپس کارکردهای اینترنت به‌عنوان بستر کاربست حق آزادی بیان از یک سو و ابزاری برای پاسداری از این حق از سوی دیگر، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۱-۱. آزادی بیان: از حق بشری محوری تا درجه وجدان اجتماع

بنابر باور اندیشمندان، «مسئله حقوق بشر را می‌توان مهم‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در سده بیستم تلقی کرد. با بسط و توسعه این زمینه، نگرش سنتی درباره حاکمیت دولت‌ها دست‌خوش تحولی عظیم شده و این توهم که دولت به اتکای حاکمیت ملی می‌تواند با شهروندان خود هرگونه که بخواهد رفتار کند، از میان برخاسته است» (موحد، ۱۳۸۴، ص ۶۰۵). به‌گونه‌ای که در روزگار کنونی، «حقوق بشر نه به‌مثابه آرمانی ناکجاآبادی بلکه همچون ضرورتی هنجاری، آمیخته با ارزش‌ها و اخلاقیات

ریشه‌دار در مکاتبات مذهبی و انسانی، به یکی از محورهای اساسی تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰، ص ۷). به گفته فیلسوفان عرصه آزادی، «مفهوم حقوق بشر بر این اعتقاد درست استوار است که مواهبی وجود دارد مانند آزادی، عدالت، جست‌وجوی خوشبختی، صداقت، عشق که به سود همه انسان‌هاست، نه فقط به نفع اعضای این یا آن ملیت، مذهب، حرفه یا شخصیت. بجاست که به این خواسته‌ها پاسخ مثبت داده شود و باید مردم را در برابر کسانی که این خواسته‌ها را نادیده می‌گیرند، حمایت کرد» (برلین، ۱۳۸۱، ص ۵۹-۶۰). بر پایه دیدگاه کارشناسان چیره‌دست و ژرف‌اندیش حقوق بین‌الملل، «حقوق بشر به لحاظ سرشتی که دارد زمان و مکان نمی‌شناسد و به همان اندازه که نماد گسستن از نظام‌های کهنه به‌شمار آمده، عامل پدیداری نظام‌هایی بوده که در خلاصی انسان از پندارهای جزمی و سوق‌دادن وی به منزلگاه واقعی تأثیر بسزایی داشته است. حقوق بشر در این مفهوم مبشر اراده آزاد افراد و توانایی‌های فطری آنان برای رشد و شکوفایی و یا همان‌طور که کانت گفته است، رهایی انسان از قیوموت دیگران است» (فلسفی، ۱۳۷۴، ص ۹۵-۹۶).

در این میان، حق بر آزادی بیان از جمله حق‌های بشری است که بی‌گمان از پشتیبانی مکتب‌های گوناگون برخوردار است. جان استوارت میل<sup>۱</sup> از منطری فایده‌گرایانه از آن دفاع می‌کند و کانتیان<sup>۲</sup> از منظر غایت‌انگاری انسان، به‌منزله اصلی که مستحکم‌ترین مبنای حقوق بشر معاصر است. این اصل که در نظام اخلاقی کانتی اصل استقلال فردی یا در نهایت حق بنیادین تعیین سرنوشت را به دنبال دارد، در آزادی بیان نیز اعمال می‌شود. با این توضیح که استقلال فردی انسان به‌منزله غایت بالذات، اقتضا دارد که خود نسبت به بیان یا عدم بیان اندیشه‌ها، خواسته‌ها و دریافت‌هایش تصمیم بگیرد. حق تعیین سرنوشت اقتضا دارد که انسان، نسبت به بیان یا عدم بیان ادراکاتش، خود تصمیم‌گیرنده باشد و اگر دیگران و از جمله دستگاه‌های عمومی برای فرد تعیین تکلیف کنند که چه چیزی را بیان کند و چه چیزی را اظهار نکند، استقلال فردی شخص نادیده گرفته می‌شود و به معنای استفاده ابزاری از اوست که خود با اصل غایت

1. John Stuart Mill  
2. Kantians

بالذات بودن آدمی در تعارض است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، دفتر دوم، ص ۱۲۳-۱۲۴). آزادی بیان هم دارای ارزش ذاتی است و هم ابزاری؛ هم با دنیای درون و قلمرو اندیشه‌ها و باورهای آدمی ارتباط دارد و هم جنبه‌های گوناگون کاربست آن با دموکراسی پیوندی ناگسستنی دارد و برای تحقق و تداوم آن ضروری است (Gunatilleke, 2021, p. 93). برخی اندیشمندان، با توجه به اهمیت کم‌همتای آزادی بیان به منزله حق بشری محوری و نقش آن در حراست از دیگر حق‌ها، معتقدند مبانی نظری آزادی بیان را می‌توان به شناسایی نیاز به برقراری بدون خدشه ارتباط سیاسی میان شهروندان در تلاش خود برای شکل‌دهی و مشارکت در دولت و توسعه جامعه بازگرداند (Joyce, 2015, p. 498). در بیانی دیگر، «آزادی بیان دریچه وجدان اجتماع است» (اسلامی نُدوشن، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶).

طبق یکی از تازه‌ترین گزارش‌های گزارشگر ویژه حمایت و ارتقای حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی بیان گسترده و فراگیر است و آزادی جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و دیدگاه‌ها از هر نوعی، بدون توجه به مرزها و از رهگذر رسانه‌های برون‌خط و برخط را دربر می‌گیرد. از نگاه بین‌المللی، آزادی بیان را فقط می‌توان وفق بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی محدود ساخت. این بند محدودیت‌هایی را مجاز می‌داند که در قانون مقرر شده و برای هدف مشروع احترام به حقوق و شهرت دیگران و حراست از امنیت ملی، نظم عمومی یا بهداشت و اخلاق عمومی ضرورت داشته باشد. نظر به اهمیت بنیادین این حق در بهره‌مندی از دیگر حق‌های بشری، محدودیت‌ها باید استثنایی باشند و به گونه‌ای مضیق تفسیر شوند. اصل قانونی بودن مستلزم آن است که دامنه، معنا و تأثیر قانون به اندازه کفایت شفاف و دقیق باشد و در میان عموم منتشر شود. قوانین مبهم که صلاحیت بیش از اندازه‌ای را به کارگزاران دولتی اعطا می‌کنند، ممکن است به تصمیم‌گیری خودسرانه و ناسازگار با بند سوم ماده ۱۹ میثاق بینجامند. بی‌واسطه بودن رابطه سببیت میان بیان و آسیب و شدت و فوریت آسیب، ملاحظات کلیدی در ارزیابی ضروری بودن یا نبودن محدودیت به‌شمار می‌روند. اصل ضرورت اقتضا دارد که محدودیت برای نیل به هدف مشروع، مناسب و متناسب باشد و محدودترین ابزارها را برای حراست از آن هدف به‌کار برد (Human

37-41). از نظر کمیته حقوق بشر نیز، سه اصل حاکم بر محدودیت‌ها عبارت‌اند از: (۱) اصل قانونی‌بودن یا تجویز به وسیله قانون؛ (۲) ضرورت و تناسب؛ (۳) مشروعیت ( Human Rights Committee, 12 September 2011, paras. 5-9 & 22-36).

آنچه هویدا می‌نماید، همانا جایگاه برجسته حق آزادی بیان به منزله حقی بنیادین و نقش کم‌مانند آن در تحقق و اجرای دیگر حق‌های بشری برای افراد و منزلت انسانی آن‌ها از یکسو و اهمیت و بایستگی انکارناپذیر تحقق آن در پویایی و پایایی حیات اجتماعی و تکامل و توسعه اجتماع است. آن جایگاه و نقش برجسته و کم‌مانند و این اهمیت و بایستگی انکارناپذیر است که آزادی بیان را شایسته تعبیر حق بنیادین بشری و دریچه وجدان اجتماع می‌سازد.

#### ۲-۱. اینترنت: از بستر کاربست تا ابزار پاسداری از حق آزادی بیان

تأثیر حقوق بشر و اینترنت بر اغلب حوزه‌های روابط اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی بسیار ژرف، گسترده و پایدار می‌نماید. اولی مبین حقوق و آزادی‌هایی است که اصولاً بر کرامت انسانی افراد در هر جامعه‌ای اتکا داشته و دولت را به احترام و تضمین رعایت آن حقوق در مورد تمامی اشخاص موجود در قلمرو و یا تحت صلاحیت آن ملزم کرده و دومی فنی نوین برای ارسال، دستیابی، پردازش و نشر اطلاعات با سرعتی شگفت‌انگیز و در گستره‌ای بی‌پایان را به ارمغان آورده است (هیک و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰). اینترنت ارزش چشمگیری برای آزادی عقیده و بیان دارد، زیرا اطلاعات در دسترس هر کسی که به آن متصل است را چندین برابر می‌کند و توان او را برای بیان و ترویج دیدگاه‌های خود افزایش می‌دهد ( Human Rights Council, 22 May 2015, para. 11) و امروزه باید آن را یکی از پیش‌نیازهای بهره‌مندی از آزادی بیان به‌شمار آورد. حتی برخی، با اندکی اغماض، مفهوم مدرن اینترنت را با آزادی بیان مترادف می‌دانند (Sears, 2015, p. 172). اهمیت اینترنت و حق دسترسی به آن به‌ویژه در دوران همه‌گیری‌های جهانی همچون همه‌گیری ویروس کرونا، بیش‌ازپیش نمایان می‌شود، زیرا از مؤلفه‌های سیاست‌گذاری و روند مراقبت‌های بهداشتی، اطلاعات عمومی و حتی حق حیات محسوب می‌شود ( Human Rights Council, 23 April 2020).



24. (2020, para. 24). حقوق بشر قالبی را تمهید ساخته که در آن کارکردهای اینترنت به‌عنوان یک فناوری ارتباطی مجال بروز می‌یابند و به این وسیله، فضای مجازی را به فضای حقوقی متکی می‌سازد. اصل آزادی بیان و حق جریان آزاد اطلاعات، بستر حقوقی فعالیت ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت‌اند و دولت را اصولاً از مداخله و مانع‌تراشی در این حوزه منع می‌کنند (هیک و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰). در سوی دیگر، اینترنت ابزاری کارآمد در پیشگیری از نقض و نیز مقابله با نقض حقوق بشر است. اینترنت به‌مثابه رسانه‌ای واجد ابعاد جهانی، نقض‌های حقوق بشر را به‌سرعت به اطلاع دیگران می‌رساند و با تحریک حساسیت‌های بین‌المللی، افکار عمومی جهان را تهییج می‌کند (همان، ص ۱۰-۱۱).

اینترنت عرصه‌ای نوین از ارتباطات است که در سطوح ملی و بین‌المللی مقررات محدودی درباره آن به تصویب رسیده و در حال حاضر، دسترسی به اینترنت به‌منزله حقی بشری در هیچ سند حقوقی شناسایی نشده است (پراقی اصفهانی، ۱۴۰۰، ص ۶۲). در تبیین نسبت میان اینترنت و حقوق بشر، آنچه به‌صراحت در برخی قطعنامه‌ها و بیانیه‌ها مطرح شده، اهمیت در بهره‌مندی از دیگر حق‌های بشری است (امین‌الرعايا و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۰۳). برخی پژوهشگران، با بررسی تاریخچه تدوین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به این باور رسیده‌اند که اگرچه ماده ۱۹ میثاق حق بر اینترنت را همچون حقی بشری تضمین نمی‌کند، ولی به‌طور ضمنی از رسانه‌های مربوط به بیان و اطلاعات حمایت می‌کند و هدف از آن، دربرگیری فناوری‌هایی همچون اینترنت بوده است که در آینده ایجاد می‌شوند (Land, Summer 2013, p. 304). نظر به عدم شناسایی صریح حق بر اینترنت در اسناد حقوق بشری کنونی، قضات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب رویه قضایی در احراز ضوابط مربوط به حمایت از آزادی بیان در اینترنت نقش اصلی را ایفا می‌کنند. دیوان اروپایی حقوق بشر، به‌عنوان پاسدار حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و از جمله ماده ۱۰ آن راجع به حق آزادی بیان، به احراز شماری ضوابط در این زمینه دست یازیده است. دیوان با تأکید بر بی‌سابقه بودن اینترنت به‌عنوان بستری برای اعمال حق آزادی بیان (ECHR, 1 December 2015, para. 52) تصریح نموده است که ماده ۱۰

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر اینترنت به سان یک ابزار ارتباطی اعمال می‌شود (ECHR, 16 June 2015, para. 131) و نوع پیام حتی اگر برای مقاصد تجاری نیز به کار رود در این امر خللی وارد نمی‌سازد (ECHR, 10 January 2013, para. 34).

دیوان در پرونده هیئت تحریریه پراوویه دلو و شتکل علیه اوکراین،<sup>۱</sup> برای نخستین بار تأیید کرد که ماده ۱۰ کنوانسیون باید به گونه‌ای تفسیر شود که تعهدی ایجابی مبنی بر ایجاد چارچوب قانونی مقتضی برای تضمین حمایت مؤثر از آزادی بیان روزنامه‌نگاران در اینترنت را بر دولت‌ها بار کند. قانون اوکراین و به‌طور خاص قانون مطبوعات<sup>۲</sup> آن کشور، مصونیت در قبال مسئولیت مدنی به‌خاطر بازتولید لفظ به لفظ مطالب منتشرشده در مطبوعات را به روزنامه‌نگاران اعطا کرده بود. دیوان در این باره چنین ابراز داشت: «این مقرر به‌طور کلی با رویکرد دیوان در قبال آزادی روزنامه‌نگاران در انتشار اظهارات مطرح‌شده از سوی دیگران هم‌خوانی دارد. با وجود این، وفق نظر دادگاه‌های داخلی، چنین مصونیتی برای روزنامه‌نگارانی که مبادرت به بازتولید آن دسته از مطالب مندرج در منابع اینترنتی می‌کنند که مطابق با قانون مطبوعات ثبت نشده‌اند وجود ندارد. در این باره، دیوان ابراز می‌دارد که هیچ‌گونه مقررات داخلی در زمینه ثبت دولتی رسانه‌های اینترنتی موجود نیست و بر اساس نظر دولت، قانون مطبوعات و سایر قوانین هنجاری که به تنظیم روابط اینترنتی در اوکراین می‌پردازند، فاقد هرگونه مقرر به راجع به وضعیت رسانه‌های اینترنت محور یا استفاده از اطلاعات به دست‌آمده از اینترنت اند» (ECHR, 5 May 2011, paras. 61-62). در این قضیه و نیز دیگر پرونده مطرح‌شده پس از آن، دیوان چنین خاطرنشان ساخت که «نبود چارچوب حقوقی کافی در سطح ملی، که به روزنامه‌نگاران اجازه استفاده از اطلاعات به دست‌آمده از اینترنت را بدون ترس از تحمل مجازات اعطا می‌کند، به شدت به ایفای نقش حیاتی مطبوعات به‌عنوان دیده‌بان عمومی خدشه وارد می‌سازد...». از دیدگاه دیوان، حذف کامل چنین اطلاعاتی از حوزه کاربست ضمانت‌های تقنینی آزادی روزنامه‌نگاران، خود ممکن است موجب بروز مداخله ناموجه در آزادی مطبوعات وفق

1. Editorial Board of Pravoye Delo and Shtekel v. Ukraine  
2. The Press Act

مادهٔ ده کنوانسیون شود» (ECHR, 5 May 2011, paras. 63-64) (ECHR, 4 December 2018, para. 60).

دیوان در کنار تأکید و تصریح بر نقش اینترنت در اعمال حق آزادی بیان در روزگار کنونی، بر بایستگی ایجاد توازن میان حق آزادی بیان در بستر اینترنت و دیگر حق‌ها و الزامات صحنه می‌گذارد. دیوان در این زمینه ابراز می‌دارد که خطر آسیب محتوا و ارتباطات اینترنتی برای کاربرست و بهره‌مندی از دیگر حقوق و آزادی‌ها و به‌ویژه حق احترام به زندگی خصوصی بی‌گمان بیشتر از این مخاطره در بستر مطبوعات کاغذی است (ECHR, 16 July 2013, para. 98). قضات بر این باورند که هنگام صدور حکم راجع به میزان جدیت حمله به شهرت شخصی افراد برای قرارگرفتن ذیل مادهٔ ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص احترام به حریم خصوصی، باید ویژگی‌های منحصر به فرد اینترنت مطمح نظر قرار گیرد (ECHR, 13 June 2017, para. 37). همچنین دیوان تشدید آثار کاربرست حق آزادی بیان در بستر اینترنت بر حیثیت و دیگر حقوق افراد را خاطرنشان می‌سازد و در زمینهٔ محکومیت در خصوص ایراد توهین و اتهام در فضای سایبر، نسبت به دیگر رسانه‌ها، حاشیهٔ صلاح دید گسترده‌تری را به دولت‌های طرف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعطا می‌کند (ECHR, 7 June 2016, para. 60; ECHR, 12 December 2017, para. 21).

امروزه، پیوند اینترنت و آزادی بیان و نقش آن در تحقق و اجرای این حق بنیادین بشری بر کسی پوشیده نیست. اینترنت بستری بی‌مانند و بی‌سابقه را برای کاربرست آزادی بیان فراهم آورده تا زنجیره‌هایی که در دوران پیش‌اینترنت بر بیان آدمیان زده شده بود، تا اندازهٔ زیادی از هم بگسلد. از این‌رو، گسستن این زنجیرها و گشودن دریچه‌های جدید به روی بیان و عیان‌سازی موارد نقض آن از سوی دولت‌ها، موجب شده تا اینترنت در جهان کنونی ابزاری برای پاسداری از حق آزادی بیان نیز شناخته شود.

## ۲. رویکرد دیوان درباره حق دسترسی به اینترنت و مسدودسازی دسترسی در چارچوب آزادی بیان

در بخش فرارو، نخست بحث مسدودسازی اینترنت و حقوق دیگران و به‌طور مشخص کشاکش آزادی بیان و کپی‌رایت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح نظر قرار می‌گیرد. سپس، مسدودسازی اینترنت بنا به دلایل عمومی در رویه این نهاد قضایی بررسی می‌شود. سرانجام نیز حق دسترسی به اینترنت برای زندانیان و بازداشت‌شدگان در آیین رویه دیوان ردیابی می‌گردد.

### ۲-۱. مسدودسازی اینترنت و حقوق دیگران، در کشاکش آزادی بیان و

#### کپی‌رایت

تشکیل جامعه فراگیر اطلاعاتی مستلزم توانایی و قابلیت جهانی برای دسترسی به اطلاعات، ایده‌ها و دانش است تا شهروندان قادر به مشارکت در بحث درباره امور عمومی باشند و نقشی فعال در فرایند تصمیم‌گیری ایفا کنند. اینترنت فرصت جدیدی را برای سیاست‌های توسعه درخصوص شفافیت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها در همه ابعاد زندگی بشر فراهم می‌آورد. سرعت، تمرکززدایی و هزینه‌های کم اینترنت هر دو بخش دولتی و خصوصی را قادر می‌سازد تا اطلاعات را بدون موانع مرزی یا بروکراسی‌هایی که مانع از گردش اطلاعات می‌شوند انتشار بدهند. حق دسترسی به اینترنت، به سبب اثرگذاری چشمگیر بر حق آزادی بیان، مستحق توجه بین‌المللی است؛ حقی که ذاتاً با توسعه انسانی و اقتصادی پیوند خورده است. آزادی بیان، به‌سان حق بنیادین بشری، بر دسترسی به اینترنت نیز قابلیت اعمال دارد و بر این پایه، دسترسی به اینترنت حق بشری دسته‌بندی می‌شود؛ زیرا ارزش‌ها و قابلیت‌های مبنایی حق آزادی بیان و دسترسی به اینترنت شبیه یکدیگرند (یراقی اصفهانی، ۱۴۰۰، ص ۶۱ و ۷۳).

گستره اعمال حق‌های بشری، به‌خاطر ارتباط با حقوق سایر افراد، در تعامل با عوامل مختلف محدود می‌شود. در صورتی که هر فرد آزاد باشد حق انسانی خود را - هرچند این حق بنیادین باشد - بدون هیچ محدودیتی در جامعه اعمال کند و ماهیت آن حق هم به‌گونه‌ای باشد که به طریقی با دیگر افراد جامعه ارتباط پیدا کند، این کار بست نامحدود حق ممکن است خود به نقض حقوق دیگران بینجامد (قاری

سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰). به همین سبب، بیشتر حق‌های بشری و از جمله حق بر آزادی بیان، به مرز حق‌های دیگران به‌نحو موجه محدود می‌شوند. این‌گونه محدودیت‌ها نه‌تنها در تغایر با فلسفه وجودی حقوق بشری نیستند، که کاملاً در راستای حفظ و بقای آن بوده و بی آن‌ها، نظامی به این نام باقی نخواهد ماند. هم‌جواری حق‌ها در جامعه سیاسی و لزوم استمرار آن‌ها، لزوماً به اولویت‌یافتن برخی و تحدید بعضی دیگر می‌انجامد. شهروندان هر جامعه در اعمال و رفتار خود تا جایی آزادی دارند که به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه نزنند. به سخنی دیگر، هنگامی که رفتار و فعالیت‌های یک فرد با فردی دیگر ارتباط می‌یابد و پای در قلمرو حقوق و آزادی‌های دیگران می‌گذارد، نمی‌توان به استناد آزادی، آن فعالیت را مجاز دانست (نقیب، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

دسترسی به اینترنت<sup>۱</sup> به‌منزله یکی از حقوق فردی ذیل ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پذیرفته شده است. یکی از تصمیمات دیوان به مسدودسازی دسترسی به دو تارنما بر مبنای پخش موسیقی بدون رعایت قوانین کپی‌رایت مربوط می‌شد. خواهان، آقای یامان آکدنیز<sup>۲</sup>، به‌عنوان کاربر تارنماهای ذی‌ربط به دیوان مراجعه و به‌طور خاص در باب نقض آزادی بیان خویش طرح شکایت کرد. دیوان دعوی مطروحه را غیرقابل استماع اعلام کرد (عدم انطباق صلاحیت شخصی)<sup>۳</sup> و تشخیص داد که خواهان نمی‌تواند مدعی «قربانی» بودن در معنای ماده ۳۴ کنوانسیون (حق دادخواهی فردی)<sup>۴</sup> شود.<sup>۵</sup> دیوان، ضمن تأکید بر اهمیت شایان حقوق کاربران اینترنتی، ابراز داشت که دو تارنمای پخش موسیقی به علت اقدام به نقض کپی‌رایت مسدود شده‌اند. خواهان، به‌عنوان کاربر این تارنماها، از خدمات آن‌ها بهره‌مند شده و فقط از یکی از شیوه‌های گوش‌دادن به موسیقی در میان بی‌شمار طریق دیگر محروم شده است. دیوان سپس

1. Access to internet
2. Yaman Akdeniz
3. Ratione personae
4. Right of individual application

۵. «ماده ۳۴: دادخواهی فردی

«دادگاه می‌تواند نسبت به دریافت درخواست‌ها از طرف هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از اشخاص که مدعی هستند قربانی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های مربوط به آن از سوی هر یک از طرف‌های معظم متعاقد شده‌اند، اقدام نماید. طرف‌های معظم متعاقد می‌شوند در راه اجرای مؤثر این حق از هیچ طریقی ایجاد مانع نکنند.»

اعلام داشت که خواهان ابزارهای بسیاری برای دسترسی به انبوهی از آثار موسیقایی، بدون تخطی از قواعد حاکم بر کپی‌رایت، در اختیار داشته است ( ECHR, 11 March 2014, para. 24). چنان‌که ملاحظه می‌شود، دیوان در این قضیه یکی از محدودیت‌های مجاز وارد بر حق‌های بشری یعنی حقوق و آزادی‌های دیگران را مطرح می‌سازد و در تراحم میان حق آزادی بیان خواهان و کپی‌رایت، اولویت را به کپی‌رایت و حقوق دیگران داده است.

البته این‌گونه نیست که همواره میان کپی‌رایت و آزادی بیان تعارض وجود داشته باشد. گاهی این دو مقوم یکدیگر می‌شوند و همدیگر را تکمیل می‌کنند. به گفته‌ای دقیق‌تر، «کپی‌رایت را می‌توان موتور محرک آزادی بیان دانست. کپی‌رایت از یک سو انگیزه لازم را برای پدیدآوردندگان آثار فکری که همه عرصه‌های فرهنگی را دربر می‌گیرد فراهم می‌آورد. پدیدآوردندگان آثار ادبی و هنری با اطمینان از تضمین حقوق مادی و معنوی خود به خلاقیت و تولید اثر روی می‌آورند و در نتیجه، آثار ادبی و هنری از نظر کیفیت و کمیت رشد پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، کپی‌رایت با اعطای حقوق انحصاری تکثیر و سایر انواع بهره‌برداری از آثار فکری به تقویت جامعه مدنی مستقل از دولت و نهادهای پرنفوذ اجتماعی و سیاسی که طیف گسترده‌ای از مردم را در خود جای می‌دهد یاری می‌رساند. به این ترتیب، کسانی که در صدد اعمال حق آزادی بیان هستند، در فضایی مملو از اندیشه و اطلاعات قادر خواهند بود با دسترسی به طیف متنوعی از آثار ادبی و هنری، نظر و دیدگاه خود را شکل داده و به بیان افکار و عقاید خود بپردازند. آزادی بیان نیز با زدودن شیخ سانسور دولتی و هراس از تعقیب ناروا، زمینه‌ساز رشد و تنوع آثار خلاق فکری مشمول کپی‌رایت است» (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲، ص ۶۵). در این زمینه گفتنی است که، «اصل دوگانگی ایده و بیان<sup>۱</sup> یک اصل آشکارا محوری در نظام کپی‌رایت و هدف اصلی آن ایجاد تعادل میان منافع رقابتی پدیدآوردندگان درخصوص تلاش‌های خلاقانه منحصربه‌فرد با منافع عمومی جامعه درخصوص آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات است. ایده‌های پدیدآوردندگان به‌صورت آزادانه در دسترس عموم قرار می‌گیرد تا برای پیشرفت و توسعه فکری و فرهنگی

۱. برای آگاهی بیشتر درباره این اصل، بنگرید به: زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۹۵-۱۲۷.

جامعه استفاده شود و در نتیجه علم و هنر ارتقا یابد... اصل دوگانگی ایده و بیان توانسته میان حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار با حق آزادی بیان برای تمام افراد جامعه موازنه‌ای عادلانه ایجاد کند» (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۲۴).

## ۲-۲. مسدودسازی اینترنت بنا به دلایل عمومی

ریشه بیشینه محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان و دیگر انواع آزادی‌ها و حقوق را باید در بحث حمایت از جامعه و ارزش‌ها و اصول بنیادین آن سراغ گرفت. در واقع، در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و اصولی وجود دارند که هیچ عقل سلیمی چشم‌پوشی از آن‌ها را روا نمی‌دارد، چه آن‌که حیات و بقای جامعه و تداوم پویایی آن در این ارزش‌ها و اصول نهفته است. از این‌رو، در پاره‌ای مواقع که حقوق و آزادی‌های فردی و برای نمونه آزادی بیان افراد با این اصول و ارزش‌ها ناسازگار باشند، مقوله اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های یادشده رخ می‌نماید. بر این اساس، می‌توان گفت اعمال این محدودیت‌ها در واقع ناشی از ترجیح استثنایی و گریزناپذیر منافع و مصالح جمعی نهفته در ارزش‌ها و اصول بنیادین بر حقوق و آزادی‌های فردی است؛ البته که کاربست این محدودیت‌ها را باید تفسیر مضیق کرد و متوقف بر شرایطی دانست. برخی از محدودیت‌های وارد بر حقوق و آزادی‌ها واجد وصف «عمومی» اند که حکایت از پیوند آن‌ها با جامعه و مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن دارد (بایچاوسکا-سینارسکا، ۱۳۹۹، ص ۱۶۰). دیوان اروپایی حقوق بشر، در برخی آرای خود، به بررسی مسدودسازی اینترنت به‌دست دولت‌ها بنا به دلایل عمومی پرداخته است.

برای نمونه، در قضیه یل‌دیریم علیه ترکیه،<sup>۱</sup> کل دامنه سایت‌های شرکت گوگل، به‌خاطر تارنمایی مشتمل بر محتوایی که توهین به یادبود آتاتورک<sup>۲</sup> قلمداد می‌شد مسدود شده بود. دیوان پذیرفت این اقدام ممنوعیتی کلی نبوده بلکه اعمال محدودیت بر دسترسی به اینترنت بوده است؛ با وجود این، اثر محدود عمل تحدید از اهمیت آن نمی‌کاهد؛ به‌ویژه آن‌که اینترنت به یکی از ابزارهای اصلی اعمال حق آزادی بیان و اطلاعات مبدل شده است. دیوان همچنین تصریح نمود که اعمال محدودیت بر دسترسی به منابع اطلاعاتی، فقط در صورت وجود چارچوب قانونی مضیق درخصوص

1. Yildirim v. Turkey  
2. Atatürk

تنظیم دامنه ممنوعیت و اعطای تضمین نظارت قضایی به منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، با کنوانسیون هم‌خوانی دارد. قانون ترکیه در مقام اجرا «پیش‌بینی‌ناپذیر» تشخیص داده شد، زیرا با دقت کافی که افراد را قادر به تنظیم رفتار خویش سازد انشا نشده بود. دادگاه ترکیه می‌تواند با تمسک به قانون، در صورتی که دلایل کافی برای مظلونیت به بروز تخلف کیفری از محتوای منتشرشده در اینترنت وجود داشته باشد، حکم به مسدودسازی دسترسی به آن محتوا را بدهد. با وجود این، نه سایت‌های گوگل و نه سایت آقای ییلدریم در این پرونده موضوع رسیدگی‌های دادگاه نبودند. هرچند تصمیم ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹ سایت‌های گوگل را مسئول سائیتی که میزبان آن بودند تشخیص داد، ولی مقره‌ای در خصوص مسدودسازی کلی دسترسی، به‌گونه‌ای که در حکم ذی‌ربط دادگاه متبلور بود، در قانون ترکیه وجود نداشت. از این‌رو، طبق نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، اقدام موردنظر خودسرانه بوده و نظارت قضایی و قانونی بر مسدودسازی دسترسی برای پیشگیری از سوءاستفاده‌ها کفایت نداشته است (ECHR, 18 December 2012, paras. 64-65). همین رویکرد در پرونده مطرح از سوی دو شرکت با مسئولیت محدود و یک شهروند روسی علیه روسیه در سال ۲۰۲۰ از سوی دیوان تکرار شده است (ECHR, 23 June 2020 (a), paras. 40-).

دیوان در قضیه مطرح‌شده از سوی مسرس سرکا چنگیز<sup>۱</sup>، یامان آکدنیز<sup>۲</sup> و کرم آلتی‌پارماک<sup>۳</sup>، استادان حقوق دانشگاه‌های ترکیه، رویکردی دیگر اتخاذ نمود. در می ۲۰۰۸، دولت ترکیه دسترسی به تارنمای اشتراک فیلم یوتیوب را به‌طور کلی مسدود کرد. ممنوعیت مربوطه بر اساس قانونی که «فحاشی به یادبود آتاتورک» را منع می‌کرد توجیه شد. یوتیوب حاوی نزدیک به ۱۰ فیلم بود که از سوی دادگاه داخلی صادرکننده حکم، فحاشی به آتاتورک به‌شمار می‌آمد. ممنوعیت یادشده از ۵ می ۲۰۰۸ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۱۰، زمانی که حکم مربوطه از سوی دفتر دادستانی ملغی شد، اجرایی بود. خواهان‌ها، از رهگذر اشاره به آزادی دریافت و انتشار اطلاعات و نیز منفعت عمومی

1. Messrs Serkan Cengiz  
2. Yaman Akdeniz  
3. Kerem Altiparmak



در دسترسی به تارنمای تشریک اطلاعاتی نظیر یوتیوب، به گونه‌ای ناموفق در صدد الغای ممنوعیت از طریق نظام دادگستری داخلی بر آمده بودند. دیوان معتقد بود که این پرونده با قضیه آکدینز علیه ترکیه متفاوت است، زیرا در قضیه ممنوعیت یوتیوب، بستری محبوب برای گفتمان سیاسی که اطلاعات خاصی را به نمایش در می‌آورد که به آسانی از دیگر طرق قابل دستیابی نیستند، غیرقابل دسترس شده است، درحالی که در پرونده آکدینز، دیوان به ابزارهای جایگزین موجود برای دسترسی به موسیقی در مواجهه با ممنوعیت ذی‌ربط اشاره نموده بود (ECHR, 11 March 2014, para. 51). اگرچه مسدودکردن یوتیوب مستقیماً خواهان‌ها را هدف نگرفته، ولی ممنوعیت مربوطه حق آن‌ها بر دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید را تحت تأثیر قرار داده بود. از این رو، دیوان تشخیص داد که با ممنوعیت اعمال شده حق آزادی بیان خواهان‌ها مورد مداخله واقع شده است. این مداخله ناموجه است، زیرا قانونی که به موجب آن چنین مداخله‌ای مجاز شمرده شده فقط ممنوع‌ساختن انتشارات خاصی را در صورت وجود ظن به ارتکاب جرم جایز می‌داند. ممنوعیت کلی تمامی یک تارنما، مثل آنچه در پرونده حاضر اعمال شده، به موجب قانون ذی‌ربط تجویز نشده است و در نتیجه قانونی نیست (ECHR, 1 December 2015, paras. 55-66).

در برخی آرای نسبتاً جدید، دیوان در قضایای گوناگونی که همگی علیه فدراسیون روسیه نزد آن مطرح شده‌اند، به ارزیابی مسدودسازی اینترنت و تارنماهای اینترنتی از سوی دولت زده است. در قضیه ولادیمیر خاریتونوف علیه روسیه<sup>۱</sup> که در آن یک تارنمای اینترنتی در نتیجه مسدودسازی تارنمایی دیگر و به علت یکسان‌بودن نشانی اینترنتی آن‌ها با هم به صورت خودکار مسدود شده بود، دیوان خاطر نشان ساخت که این اقدام با از دسترس خارج کردن میزان چشمگیری از اطلاعات و محدودسازی قابل توجه حقوق کاربران اینترنت، واجد پیامد جنبی مهمی است و چارچوب حقوقی ذی‌ربط که مقامات دولتی صالح تصمیم خود دایر بر مسدودسازی را بر آن استوار ساخته‌اند، به حد کفایت و بر پایه ماده ۱۰ کنوانسیون، پیش‌بینی‌پذیر نبوده است (ECHR, 23 June 2020 (b), paras. 45-47). همچنین، در قضیه کالبیس علیه روسیه<sup>۲</sup>

1. Vladimir Kharitonov v. Russia  
2. Kalbis v. Russia

به بحث محدودیت‌های پیشینی بر فرسته‌های (پست‌های) اینترنتی می‌پردازد. دیوان در این قضیه باید درخصوص این‌که آیا اعمال محدودیت پیشینی بر فرسته‌های اینترنتی که مخاطبان خود را به شرکت در یک رویداد عمومی فاقد مجوز فرا می‌خواندند، با ماده ۱۰ کنوانسیون سازگار است یا خیر. دیوان در این باره ابراز داشت که پیش از وقوع رویداد موردنظر باید اقدامات معطوف به مسدودسازی مورد بازبینی قضایی قرار می‌گرفتند. اطلاعات مندرج در فرسته‌ها پس از وقوع رویداد یادشده فاقد ارزش و منفعت‌اند و لغو مسدودسازی با دستور قضایی پس از آن تاریخ بی‌معنا خواهد بود (ECHR, 30 April 2019, para. 96).

دیوان همچنین در برخی قضایا به مقوله مسدودسازی کلی اینترنت ورود کرده است. دیوان از جمله دستور مسدودسازی کلی یک تارنما را اقدامی افراطی می‌شمارد و آن را با تعطیل یک روزنامه یا ممنوعیت پخش یک فرستنده رادیویی یا تلویزیونی برابر می‌داند (ECHR, 23 June 2020 (a), para. 37; ECHR, 23 June 2020 (c), para. 34). دیوان، در یکی از پرونده‌ها، اقدام به مسدودسازی کلی فروشگاه‌های رسانه‌ای آن‌لاین را که عامدانه تفکیک میان اطلاعات قانونی و غیرقانونی را نادیده می‌گیرد، خودسرانه و آشکارا نامعقول تشخیص داد (ECHR, 23 June 2020 (a), para. 34). در پرونده‌ای دیگر، دیوان حکم کرد که صدور دستور مسدودسازی کل یک تارنما به سبب وجود محتوای ممنوع‌شده و تداوم این مسدودسازی حتی پس از حذف محتوای ذی‌ربط، فاقد مبنای قانونی بوده است؛ زیرا قانونی که دستور مسدودسازی بر آن استوار است، اجازه مسدودسازی کل یک تارنمای اینترنتی را به مقامات ذی‌صلاح نمی‌دهد. دیوان همچنین ابراز داشت که غیرقانونی بودن مسدودسازی، به طریق اولی درخصوص تداوم آن پس از حذف محتوای ممنوعه نیز صدق می‌کند (ECHR, 23 June 2020 (c), paras. 34 & 38). نیز در این زمینه، دیوان در یکی از قضایا به بایسته پیش‌بینی‌پذیری قوانین مربوط به مسدودسازی اشاره دارد. در این پرونده، مالک یک تارنمای اینترنتی، برای جلوگیری از مسدودسازی کل تارنمای خود، به حذف اطلاعات ممنوع‌شده از سوی محاکم داخلی ملزم شده بود. دیوان در این خصوص حکم کرد که مبنای قانونی دستور مسدودسازی، هیچ شاخصی را درباره ماهیت یا دسته‌بندی محتواهایی که ممکن

است ممنوع شوند برای محاکم داخلی یا صاحبان تارنماهای اینترنتی تعیین نمی‌کند و بر این پایه، قانون ذی‌ربط در تحقق بایسته پیش‌بینی‌پذیری ناکام می‌ماند ( ECHR, 23 (June 2020 (d), paras. 27-28).

### ۲-۳. حق دسترسی به اینترنت برای زندانیان و بازداشت‌شدگان

انسان‌ها فارغ از این‌که کجا زندگی می‌کنند، به چه زبانی سخن می‌گویند، چه باورهایی دارند و صرف‌نظر از تفاوت‌هایی که به لحاظ عوامل زیستی و اجتماعی بر آن‌ها عارض شده است از حیث انسان‌بودن هیچ تفاوتی با هم ندارند. همین وجه مشترک تمامی آحاد جامعه بشری، مبنای برخورداری آن‌ها از حقوق و آزادی‌هایی شده که مقید به زمان و مکان نیست (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۷۲). از این‌رو، بشر فارغ از این‌که در چه وضعیتی قرار دارد، به این اعتبار که انسان است و ویژگی انسان‌بودن او تابع شرایط نیست، از حقوق و آزادی‌های بشری بهره‌مند می‌شود. اگرچه قرارگرفتن در برخی موقعیت‌ها، همچون بازداشت، آدمی را بیش‌ازپیش در معرض نقض حقوق و آزادی‌ها قرار می‌دهد و در چنین موقعیتی است که بایستگی توجه ویژه به افراد زندانی و بازداشتی جلوه بیشتری می‌یابد. یکی از حوزه‌های قابل بررسی در این زمینه، حق آزادی بیان و کاربست و اجرای آن از رهگذر اینترنت است.

دیوان در پاره‌ای مواقع، حق دسترسی به اینترنت را برای زندانیان و افراد تحت بازداشت نیز به رسمیت شناخته است. در پرونده کالدا علیه استونی،<sup>۱</sup> یک زندانی درخصوص خودداری مقامات ذی‌ربط از اعطای دسترسی به سه تارنمای اینترنتی به او که حاوی اطلاعات حقوقی بوده و توسط دولت و شورای اروپا اداره می‌شدند، طرح شکایت کرد. خواهان به‌طور خاص شکوه داشت که ممنوعیت مربوطه در قانون کشور استونی بر دسترسی وی به این تارنماهای خاص، حق او بر دریافت اطلاعات از طریق اینترنت را نقض کرده و در نتیجه وی را از انجام تحقیقات حقوقی برای رسیدگی‌های دادگاهی که درگیر آن بود باز داشته است. دیوان نقض ماده ۱۰ کنوانسیون را محرز دانست. دیوان به‌طور خاص تشخیص داد که اگرچه دول متعاقد ملزم به اعطای دسترسی به اینترنت به زندانیان نیستند، در صورتی که دولتی مایل به اعطای چنین

1. Kalda v. Estonia

دسترسی به زندانیان باشد، که در خصوص استونی چنین است، باید در خصوص ممانعت از دسترسی به تارنماهای خاص دلیل ارائه دهد. در شرایط ویژه پرونده خواهان، دلایل ذی‌ربط برای عدم جواز دسترسی وی به تارنماهای اینترنتی موردنظر، یعنی مسئله امنیت و هزینه‌ها، برای توجیه مداخله در حق او بر دریافت اطلاعات کافی نبود. قابل ذکر است که مقامات مربوط از پیش تمهیدات اینترنتی را برای استفاده زندانیان از اینترنت به وسیله رایانه‌هایی که به‌طور ویژه به این منظور و تحت نظارت مسئولان زندان تعبیه شده بودند، اتخاذ و هزینه‌های موردنظر را پرداخت کرده بودند. دادگاه‌های داخلی، با لحاظ مدیریت تارنماهای سه‌گانه موردنظر توسط سازمانی بین‌المللی و خود دولت، هیچ تجزیه و تحلیل موشکافانه‌ای درباره مخاطرات امنیتی احتمالی ناشی از دسترسی به آن‌ها به انجام نرسانند (ECHR, 19 January 2016, paras. 45-54). تقریباً یک سال بعد از این رأی، دیوان به حق آزادی بیان زندانیان و دسترسی آن‌ها به اینترنت، از جمله به لزوم دسترسی به اطلاعات از سوی ایشان برای دریافت آموزش که برای بازپروری و بازگشت ایشان به اجتماع اهمیت چشمگیری دارد اشاره می‌کند (ECHR, 17 January 2017, para. 59).

بحث دسترسی بازداشت‌شدگان به اینترنت و تارنماهای اینترنتی، در یکی از جدیدترین آرای دیوان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در قضیه رمضان دمیر علیه ترکیه<sup>۱</sup> مقامات زندان از دسترسی آقای دمیر به برخی تارنماهای خاص از جمله تارنمای دیوان اروپایی حقوق بشر و دادگاه قانون اساسی ترکیه ممانعت کرده بودند. وی که یک وکیل بود، به‌خاطر آماده‌کردن دفاعیات خود و نیز پیگیری پرونده‌های موکلان خود، خواستار دسترسی به تارنماهای یادشده بود. وی پس از آزادی از زندان، با ادعای نقض حق خویش بر دریافت اطلاعات و نظرات ذیل ماده ۱۰ کنوانسیون درباره آزادی بیان، علیه دولت ترکیه نزد دیوان اروپایی حقوق بشر طرح دعوا کرد. دیوان در بررسی‌های خود تشخیص داد که دولت ترکیه نتوانسته است نشان دهد که دلایل مقامات داخلی برای توجیه منع دسترسی آقای دمیر به تارنماهای مزبور کافی و

1. Ramazan Demir v. Turkey

در زمان نگارش نوشتار حاضر (واپسین روزهای بهمن ۱۴۰۰ خورشیدی)، متن این رأی فقط به زبان‌های فرانسه، ترکی و رومانیایی در دسترس است.

مرتبط یا مداخله ذی‌ربط در یک جامعه دموکراتیک ضروری بوده است. دیوان به‌ویژه ابراز داشت که چون دسترسی زندانیان به تارنماهای معینی که فقط دارای اطلاعات قانونی‌اند و پیش‌تر در حقوق داخلی ترکیه دسترسی به آن‌ها برای اهداف آموزش و بازپروری زندانیان به ایشان اعطا شده است، محدودسازی دسترسی خواهان به تارنماهای نام‌برده که تنها محتوی اطلاعات قانونی بوده و با پیشرفت و بازپروری وی در بافت شغل و حرفه و منافع او ارتباط داشته‌اند، موجب مداخله در حق خواهان بر دریافت اطلاعات شده است. به باور دیوان، محاکم داخلی به اندازه کفایت توضیح نداده‌اند که چرا دسترسی آقای دمیر به تارنماهای مذکور در چارچوب مقولات آموزشی و بازپروری نبوده است. همچنین آن‌ها نتوانسته‌اند اثبات کنند چرا خواهان را باید یک زندانی خطرناک و وابسته به سازمانی غیرقانونی دانست که در قبال او می‌توان به محدودسازی دسترسی به اینترنت دست یازید. افزون‌براین، نه مقامات داخلی و نه دولت ترکیه توضیح نداده‌اند که چرا منع دسترسی خواهان به تارنماهای یادشده در پرونده حاضر، با توجه به اهداف مشروع حفظ نظم و امنیت در زندان و پیشگیری از جرم، ضروری بوده است. بر این پایه، دیوان دولت ترکیه را ناقض ماده ۱۰ کنوانسیون دانست (ECHR, 9 February 2021, paras. 2-48).

### نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین و اینترنت بسترساز و عامل تحولات بسیار و شگرفی در دنیای امروز شده‌اند. یکی از حوزه‌های متأثر در این زمینه، عرصه حقوق بشر و به‌ویژه پاره‌ای حق‌های انسانی خاص همچون حق حریم خصوصی و به‌ویژه حق آزادی بیان است. در این میدان، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه حمایت از آزادی بیان در بستر اینترنت پیوندی است میان پیشرفت‌های فناورانه روزگار کنونی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌منزله یکی از اسناد دیرپای حقوق بشری. رویه این نهاد برجسته حقوق بشری به‌ویژه از رهگذر پای‌فشاری آن بر این که کنوانسیون سندی است زنده و باید در پرتو شرایط روز تفسیر شود، موجب شده دیوان بتواند در حوزه‌هایی نوین همچون اینترنت ورود کند و به ارائه تفسیرهای نوآورانه و مترقیانه از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دست یازد. یکی از دستاوردهای برجسته رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، شناسایی

اهمیت چشمگیر اینترنت در اعمال آزادی بیان و به‌ویژه آزادی جست‌وجو و دسترسی به اطلاعات است. اگرچه دیوان اینترنت را رسانه‌ای ارتباطی می‌داند، ولی ویژگی‌های خاص آن که بر عملکرد دیگر حق‌های تحت حمایت کنوانسیون تأثیر می‌گذارد را شناسایی کرده است.

بررسی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در چارچوب مقوله مسدودسازی دسترسی به اینترنت و تارنماهای اینترنتی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که دیوان، ضمن توجه به نقش متمایز اینترنت در اعمال حق آزادی بیان از سوی افراد به‌عنوان صاحبان این حق، ضوابط و سنجه‌های کلی حاکم بر آزادی بیان از جمله دامنه و محدودیت‌های مجاز وارد بر آن در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بر پرونده‌های مطرح نزد خود که به مسئله مسدودسازی دسترسی به اینترنت ارتباط دارند پیاده کرده است. پیوند ناگسستنی و انکارناپذیر اینترنت با گستره حق آزادی بیان به شکلی است که حتی برخی، با اندکی چشم‌پوشی، مفهوم مدرن اینترنت را مترادف آزادی بیان می‌دانند. از همین روست که دیوان ممنوعیت کلی و یکپارچه اینترنت و دسترسی به تارنماهای اینترنتی را یکسره ناقض حق آزادی بیان به‌شمار آورده است. در چارچوب محدودسازی دسترسی به اینترنت نیز، دیوان شروط مندرج در بند سوم ماده ۱۰ را بر پرونده‌های مرتبط در این زمینه اعمال کرده و بر این باور است که شرط‌های قانونی بودن و پیش‌بینی‌پذیر بودن قوانین محدودکننده اینترنت و دسترسی به آن، ضرورت و تناسب عمل محدودسازی در جامعه‌ای دموکراتیک و نیز مشروعیت اقدام به محدودیت برای نیل به اهداف مشروعی همچون نظم عمومی و امنیت بایسته‌هایی هستند که تنها تحقق و اثبات تحقق آن‌ها، آن‌هم با تفسیری مضیق و محدود، می‌تواند دولت‌ها را از اتهام نقض ماده ۱۰ کنوانسیون مبرا سازد.

آنچه از چشم‌انداز حقوق بشری هویدا و ناگفته پیداست، بایستگی پذیرش نقش اینترنت و دسترسی به اینترنت در زندگی انسان امروزی است. با وجود دشواری‌هایی که از رهگذر این پدیده نوین برای نوع بشر رقم خورده است، گره‌خوردن بخش‌ها و ابعاد گوناگون زندگی آدمیان با اینترنت، آن را به مؤلفه جدانشدنی توسعه و پیشرفت فردی و اجتماعی انسان و جامعه مبدل ساخته است. نقش ابزاری نسبتاً بی‌بدیل اینترنت

در اعمال حق بشری بنیادین و مهمی همچون آزادی بیان، که از آن به «دریچه وجدان اجتماع» تعبیر می‌شود، اقتضا دارد هرگونه ممنوعیت و محدودیت در دسترسی به آن نیازمند توجیهات بسیار قوی و تفسیری مضیق از عوامل تحدیدکننده باشد. به نظر می‌رسد به واسطه ابتلاها و امکان‌های مشترک بشری و اشتراکات نوع انسان فارغ از عرضیات، می‌توان بررسی کوشش‌ها و دستاوردهای آدمی‌زاد در هر نقطه‌ای از این کره خاکی را برای پیشبرد سیر اندیشه‌ورزی و تحکیم بنیان‌های فکری جامعه به وسیله آشناسازی اذهان با دیدگاه‌های دیگر فرهنگ‌ها سودمند دانست. راهی بی‌پایان که نگارندگان امیدوارند، از رهگذر این نوشتار، گامی هرچند کوتاه و ناچیز در آن برداشته باشند.

### منابع

- اسلامی نُدوشن، محمدعلی (۱۳۷۲). ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم. تهران: آرمان/یزد، چاپ چهارم.
- اسلامی، رضا و عصاره، عبدالله (۱۳۹۱). «حق دسترسی به اطلاعات در اینترنت؛ ابزار تقویت مشارکت شهروندی». تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۱۵۱، ص ۲۳۵-۲۸۸.
- امین‌الرعا، یاسر، احمدی‌نژاد، مریم و متاجی، محسن (۱۴۰۰). «تحلیلی بر اصول، قواعد و رویه‌های بین‌المللی در قطع اینترنت در مواقع اضطراری و امنیتی». آفاق امنیت، سال چهاردهم، شماره ۵۱، ص ۹۷-۱۲۴.
- بایچاوسکا-سینیارسکا، دومینیکا (۱۳۹۹). تأملاتی پیرامون آزادی بیان؛ حمایت از حق آزادی بیان در رویه کمیسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر. ترجمه و تحقیق: مصطفی فضائلی و موسی کرمی. تهران: شهر دانش.
- برلین، آیزایا (۱۳۸۱). در جست‌وجوی آزادی؛ مصاحبه‌های رامین جهاننگلو با آیزایا برلین. ترجمه خجسته کیا. تهران: نشر گفتار، چاپ دوم.
- جلالی، محمد و سودبر، سوگل (۱۳۹۹). «تأثیر دیوان اروپایی حقوق بشر در نظام حقوق داخلی کشورهای اروپایی». مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۵۹-۷۹.
- حبیبی مُجنده، محمد (۱۳۹۲). «هم‌افزایی کپی‌رایت و آزادی بیان». دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۱۹(۹)، شماره ۱ (پیاپی ۹۷)، ص ۴۷-۶۶.

- زاهدی، مهدی و شریف‌زاده، شیرین (۱۴۰۰). «آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان». پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۳، شماره ۷۱، ص ۹۵-۱۲۷.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۵). «موازن بین‌المللی حقوق بشر و بازداشت محکومین مالی در ایران». حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۵، ص ۷۱-۸۷.
- زمانی، سیدقاسم و عطار، شیما (۱۳۹۵). «حقوق بشر و حق بر فراموش شدن در عصر فناوری‌های نوین اطلاعاتی». مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۵، ص ۸۱-۱۰۸.
- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۰). حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها). تهران: میزان، چاپ اول.
- شهبازی، آرامش (۱۳۹۶). «در تکاپوی توسعه حقوق بین‌الملل اینترنت». پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۴، ص ۲۱۹-۲۴۵.
- عجم اوغلو، دارون و ای. رابینسون، جیمز (۱۳۹۹). راه باریک آزادی. ترجمه سیدعلیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان. تهران: روزنه، چاپ دوم.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴). «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی». تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، ص ۹۳-۱۳۶.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم؛ جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها. تهران: شهر دانش، چاپ دوم.
- کرمی، موسی و توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۹). «حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو رویه‌ی دیوان اروپایی حقوق بشر: با اشاره به نظام حقوقی ایران». فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۵، شماره ۷۳، ص ۲۱۵-۲۳۹.
- مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی، چاپ چهارم.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۴). در هوای حق و عدالت. تهران: نشر کارنامه، چاپ سوم.
- نقیب، فهیمه (۱۳۹۰). آزادی بیان و توهین به مقدسات در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- هیگ، استیون، اف. هلپین، ادوارد و هوسکینز، اریک (۱۳۹۲). حقوق بشر و اینترنت. ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: خرسندی، چاپ دوم.
- یراقی اصفهانی، مهشید (۱۴۰۰). «بررسی امکان شناخت حق دسترسی به اینترنت به‌عنوان یک حق بشری». تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ص ۷۴-۵۹.



- Council of Europe (2017). *Thematic Factsheet: Freedom of Expression, the Internet and New Technologies*; available at: <https://rm.coe.int/factsheet-on-freedom-of-expression-internet-and-new-technologies-11aug/1680738366>.
- Freedom House (2021). *Freedom on the Net 2021 (Report)*. Available at: [https://freedomhouse.org/sites/default/files/202109/FOTN\\_2021\\_Complete\\_Booklet\\_09162021\\_FINAL\\_UPDATED.pdf](https://freedomhouse.org/sites/default/files/202109/FOTN_2021_Complete_Booklet_09162021_FINAL_UPDATED.pdf)
- Gunatilleke, G. (2021). “Justifying Limitations on the Freedom of Expression”. *Human Rights Review*, 22(1), 1-18.
- Human Rights Committee (12 September 2011). *General Comment No. 34: Article 19: Freedoms of Opinion and Expression*. CCPR/C/GC/34.
- Human Rights Committee (17 September 2020). *General Comment No. 37 (2020) on the Right of Peaceful Assembly (Article 21)*. CCPR/C/GC/37.
- Human Rights Council (16 May 2011). *Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression*. A/HRC/17/27.
- Human Rights Council (30 June 2014). *The Right to Privacy in the Digital Age; Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights*. A/HRC/27/37.
- Human Rights Council (22 May 2015). *Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression*. A/HRC/29/32.
- Human Rights Council (23 April 2020). *Disease Pandemics and the Freedom of Opinion and Expression: Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression*. A/HRC/44/49.
- Human Rights Council (13 April 2021). *Disinformation and Freedom of Opinion and Expression: Report of the Special Rapporteur on the*

*Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression*. A/HRC/47/25.

Joyce, D. (2015). "Internet Freedom and Human Rights". *European Journal of International Law*, 26(2), 493-514.

Land, M. (Summer 2013). "Toward and International Law of the Internet". *Harvard International Law Journal*, 54(2), 393-458.

Lemets, O. L., Pyshna, A. H., & Hridina, K. V., (2020). "Right to Freedom of Expression in Conditions of Information Technologies Development". *Revista Genero & Direito*, 9(4), 1030-1045.

Sears, A. (2015). "Protecting Freedom of Expression over the Internet: An International Approach". *Notre Dame Journal of International and Comparative Law*, 5(1), 171-200.

### **ECHR Case Law**

ECHR (10 March 2009). *Times Newspapers Ltd. v. the United Kingdom* (Nos. 1 and 2). Applications Nos. 3002/03 and 23676/03.

ECHR (5 May 2011). *Editorial Board of Pravoye Delo and Shtekel v. Ukraine*. Application No. 33014/0.

ECHR (10 January 2013). *Ashby Donald and Others v. France*. Application No. 36769/08.

ECHR (16 August 2013). *Wegrzynowski and Smolczewski v. Poland*. Application No. 33846/07.

ECHR (11 March 2014). *Akdeniz v. Turkey (Decision)*. Application No. 20877/10.

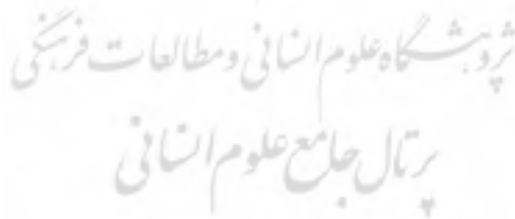
ECHR (16 June 2015 (GC)). *Delfi AS v. Estonia*. Application No. 64569/09.

ECHR (1 December 2015). *Cengiz and Others v. Turkey*. Applications Nos. 48226/10 and 14027/11.

ECHR (19 January 2016). *Kalda v. Estonia*. Application No. 17429/10.

ECHR (2 February 2016). *Magyar Tartalomszolgáltatók Egyesülete and Index.hu Zrt v. Hungary*. Application No. 22947/13.

- ECHR (7 June 2016). *Cicad v. Switzerland*. Application No. 17676/09.
- ECHR (1 January 2017). *Jankovskis v. Lithuania*. Application No. 21575/08.
- ECHR (13 June 2017). *Arnarson v. Iceland*. Application No. 58781/13.
- ECHR (12 December 2017). *Katarzyna Joanna Wrona v. Poland (Decision)*. Application No. 68561/13.
- ECHR (4 December 2018). *Magyar Jeti Zrt v. Hungary*. Application No. 11257/16.
- ECHR (30 April 2019). *Kalbis v. Russia*. Applications No. 48310/16 and 59663/17.
- ECHR (23 June 2020/a). *OOO Flavus and Others v. Russia*. Applications No. 12468/15, 23489/15 and 19074/16.
- ECHR (23 June 2020/b). *Vladimir Kharitonov v. Russia*. Application No. 10795/14.
- ECHR (23 June 2020/c). *Bulgakov v. Russia*. Application No. 20159/15.
- ECHR (23 June 2020/d). *Engels v. Russia*. Application No. 61919/16.
- ECHR (9 February 2021). *Ramazan Demir v. Turkey*. Application 68550/17.



## A Reflection on the Protection of Freedom of Expression in the Case Law of the European Court of Human Rights as to Blocking the Access to Internet

Mostafa Fazaeli,<sup>1</sup> Mousa Karami<sup>2</sup>

### Abstract

Among the realms influenced by the developments of recent decades in new technologies and specifically the internet is the freedom of expression (FoE) as a fundamental human right. The close link between the internet and FoE has led to litigation of individuals against their respective states in the framework of internet-related issues, including blocking the access to the internet before the European Court of Human Rights (ECHR/the Court). Employing a descriptive-analytic method and using library data, the present article seeks to examine the European Court of Human Rights' case law to protect the right to freedom of expression against the ban or restriction of internet access. This examination implies that the Court has applied the general standards and criteria governing FoE, including the scope and legitimate limitations imposed on it in the European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHRFF) framework on the related cases. In the Court's view, the wholesale and integrated prohibition of internet and access to internet websites is considered a breach of the right to FoE. In the framework of limiting access to the internet, the Court has applied the requirements stipulated in art. 10(3) of the ECHRFF on the related cases in this regard .

In this regard, the ECHR considers the legality, predictability, and accessibility of restrictive Internet laws and access to them, as well as the necessity and proportionality of limiting measures in a democratic society, and the legitimacy of restricting Internet access to achieve legitimate goals such as public order and safety, among others. There are requirements, the fulfilment and verification of which, through a narrow and limited interpretation, can absolve the states of the violation of Art. 10 of the ECHRFF on FoE.

**Keywords:** Freedom of Expression, Human Rights, Blocking the Access to Internet, European Court of Human Rights (ECHR), European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHRFF)

---

1. Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author; m.fazayeli@qom.ac.ir)

2. PhD. Candidate in Public International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran; [mousakarami136767@yahoo.com](mailto:mousakarami136767@yahoo.com)